



کتاب الفقه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه پنجم - آذر ماه ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) } الرَّحْمَنُ (۱)

الرحمن (۱) قرآن را آموخت. (۲)

« **تعلیم** » یعنی:

« **إحاطه** » بخشیدن « **بر** » چیزی،

و « **جاری** » کردن « **فهم** » آن چیز

برای « **بکارگیری** » آن در « **زندگی** ».

پس «الرحمن عَلم القرآن»

یعنی: خداوند «نَفْسِ عالمانه و عاشقانه»

و «مَحَبَّتِ» خودش را «جاری» کرد.

پس الآن نوبت انسان است كه با:

اين « **جریانِ لطفِ الهی** »،

« **تنفس** » كند و « **جاری** » شود

و به ملكوت « **پرواز** » كند.

«قرآن» چیست؟

« قرآن »

« نَفْسِ رَحْمَانِ » و کتابِ آموزشِ

« عشق و محبت »

و « زندگی بزرگوارانه » است.

تکالیف مردم نسبت به «قرآن» چیست؟

« تګلیف » اول:

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ
فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (أعراف/۲۰۴)

و هر گاه قرآن « قرائت » می‌شود، « آن را بشنوید »
و « خاموش مانید »، تا مورد رحمت واقع شوید (و فرصت تازه بیابید).



« سمع » یعنی چه؟

« سمع » یعنی:

تلاش برای « إدراک و دریافتِ پیامِ »

هر نوع « صدا و صوتی ».

زیرا هیچ صدایی، « بی‌پیامِ » نیست.

اگر انسان خودش را در «هر زمینه‌ای»،

عمداً به «**کری**» بزند،

عاملِ «**شرارت**»

و بسیار «**خطرناک**» می‌شود:

إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ

الضَّالِّهِ الْبَهِيمِ

الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال / ٢٢)

پس هر فردی، باید مانند کنجکاوی جاسوسان،

« **تا می‌تواند** »

برای « **شنیدنِ سخنِ خالقِ** » خود « **بکوشد** »،

و « **پیامِ و تعهدات** » نهفته در آنها را « **بفهمد** »،

و بلافاصله از آنها، متعهدانه « **اطاعت** » کند:



فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ

وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا

وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ

وَ مَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (تغابن/۱۶)

پس تا می‌توانید به خدا توجه کنید و (کلامش را) بشنوید و فرمان برید و برای (رهایی) خودتان،
انفاق (و فاصله‌ها را پُر) کنید زیرا آنان که از خستِ نفسِ خود مصون مانند، فقط آنان رستگارانند.

یک نمونه تلاش برای « شنیدن »:



قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ:

اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ

فَقَالُوا: إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ (و تشخیص دادند و فهمیدند که او)

فَأَمَّا مَنْ آتَىٰ بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) (لذا احساس تعهد و تکلیف کردند و)

«استماع» یعنی چه؟



« استراق سمع و شنودِ مجاز »

با گوش ظاهر و باطن و با تمام وجود

و با تمرکز و دقّت در جزئیاتِ آن،

به قصدِ « فهمیدنی تعهد آور »:

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ

فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (طه/١٣)

« انصاف » یعنی چه؟



انصاف: پشداوری نداشتن

مقاومت نشان ندادن در برابر قرائت

و « تمرکز » داشتن در تفهّم.

«**تکلیف**» دوم:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ؟ (قمر/۱۷)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ؟ (قمر/۲۲)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ؟ (قمر/۳۲)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ؟ (قمر/۴۰)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟²⁹

« تګلیف » سوم:

« مقصدِ » دیگر نزول قرآن، « تدبیر » است:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ

لِيَذْكُرُوا آيَاتِهِ

وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (ص/۲۹)

لذا خداوند دو بار اعتراض می کند که
چرا مردم در آن « تدبیر » نمی کنند؟

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ؟

أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْفَالٌهَا؟ (محمد/۲۴)

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

(نساء/ ٨٢)



« تدبیر » یعنی چه؟

چون « **دُبُر** » یعنی: « پشت »،

پس شاید: « **تَدْبُر** » (از باب مطاوعه) یعنی:

« پشتِ سرِ **قرآن** » زندگی کردن

و تمام امور خود را با او « **تراز** » کردن.

A landscape photograph showing rolling green hills under a clear sky. A single, bare, dark tree stands on a small rise in the middle ground. The hills are covered in lush green grass, with some areas appearing slightly more yellowish, possibly due to the lighting or the type of vegetation. The overall scene is peaceful and somewhat desolate.

دلیلِ درستی این «نظر»؟

نظر أمير المؤمنين صلوات الله عليه اينست كه مى فرمايند:

وَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَالِيَكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ

لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنْ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ

وَأَكْثَرُ مِنَ الْكَذِبِ عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الْإِيمَانِ سَلْمَةٌ أَنْ يَزِيدَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقٌّ يَلَاوِيهِ وَلَا تَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا حُرِفَ عَنْ مَوَاقِيهِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَكْثَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَشْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَقْلَهُ وَتَنَاسَاهُ حِفْظَهُ فَالْكِتَابُ يُؤْتِيهِمْ وَأَهْلُهُ طَرِيقَانِ سَفِيلَانِ وَحَاجَتَانِ مُشْتَلِكَتَانِ فِي طَرِيقٍ وَاحِدٍ لَا يُؤْوِيهِمَا مَوْءٍ فَالْكِتَابُ وَأَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الْإِيمَانِ فِي النَّاسِ وَلَيْسَ فِيهِمْ وَمَعَهُمْ وَلَيْسَ مِنْهُمْ يَأْنُ الْمَثَلَةُ لَا تُؤَقِّقُ الْهَيْدَى وَإِنْ اجْتَمَعُوا فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى التَّرَفُّقِ وَالتَّرَفُّقُ عَلَى الْجَنَاحَةِ

كَأَنَّهُمْ أُمَّةٌ الْكِتَابِ وَلَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ

فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ وَلَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَزَبْرَهُ ... (خطبه ۱۴۷)

پس از من به زودی بر شما روزگاری رسد که در آن چیزی پنهان‌تر
از حق، و آشکارتر از باطل، و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد

پیش مردم آن زمان اگر قرآن را به درستی تلاوت کنند متاعی کسادت‌تر از آن یافت نشود، و اگر در معانی آن تحریف ایجاد کنند کالایی رواج‌تر از آن نباشد، و در شهرها چیزی بدتر از معروف، و بهتر از منکر پیدا نشود. قرآن را حاملانش کناری اندازند، و حافظانش آن را از یاد ببرند. در آن روز قرآن و تابعان حقیقی‌اش مطرود و در تبعیدند، و چون دو یار همراه در یک راهند، که پناه دهنده‌ای آن دو را پناه ندهد. بنا بر این کتاب و اهلش در آن زمان میان مردمند اما بین آنها نیستند، و با مردمند ولی با آنان نمی‌باشند، چرا که گمراهی با هدایت توافقی ندارند گرچه یک جا جمع شوند. آن مردم در تفرقه متحد، و از جماعت رویگردانند،

گویی آنان پیشوای قرآنند
و قرآن پیشوای آنان نیست.

لذا از قرآن نزد آنها جز اسمی نماند
و از کتاب خدا جز خطّ و نوشته‌ای شناسند.

« تکلیف » چهارم:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ

وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره/۱۸۵)

و خدا را برای آنکه هدایتان کرده « بزرگ بدانید » و شکرگزار و قدردان باشید.

شاید « ریشه » تمام « مشکلات » بشر

اینست که:

« حق بزرگتری » را

برای « خودش یا دیگران » می‌پندارد.

« تکلیف » پنجم:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلْثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ
وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ

عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ أَكْثَرُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مزمل / ٢٠)

برخورد « مسلمانان » با « قرآن »:

هر چند برای صوت و لحن و تجوید و کتابت و امور هنری قرآن،
در « کشورهای اسلامی » خصوصاً در « کشور ایران »،

تلاش‌های فراوانی صورت می‌گیرد

و مبالغ هنگفتی هزینه می‌شود

اما تلاش آنها برای « تفهیم عملی و تفهّم کاربردی قرآن »،

آنقدر⁴⁵ « ضعیف و کم و غیر مشتاقانه » است که قرآن می‌فرماید:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ!

إِنْ قَوْمِي،

اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان / ۳۰)

چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را در میان « مسلمانان پُر ادعا !!! »

« مهجور » و « متروک » و « رها شده » و « بی متولی » می بینند؟

آیا این ⁴⁶دلیلی بر « غلط و انحرافی و غیر مفید بودن تلاشهای ظاهراً قرآنی » نیست؟

بر خورد « غیر مسلمانان » با « قرآن »:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (كهف/٥٤)

... وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوءًا (كهف/٥٦)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (حجر/٩١)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (إسراء/٤١)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (إسراء/٨٩)

فرقِ «قرائت» با «تلاوت» چیست؟

« **تلو** »: دوختن و ارتباط و پیوند دادن نشانه‌ها، از چیزی تبعیت کردن:

* **وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا** * **وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا** *

« **تلاوت** »: « خواندن همراه با تجلیل و تبعیت » است.

(شاید « تدبیر، تبعیت از **کَلِّتَ** قرآن است. »

و « تلاوت، پیگیری از **أجزاء** » یک چیز است.)

⁵⁰(تلاوت برای خواندن کتاب‌های رایج به کار نمی‌رود.)

« **قرء** »:

فهم و توجه قلبی و « مبنا » قرار دادن چیزی با تمام وجود.

پس « **قرائت** »

باید « مبنای » تمام « **وظائف شرعی** » شخص باشد.

« **قرآن** »: (مصدر قرأ) (نه قری)

مجموعه جامع و ثابتی برای تمام زندگی انسان است.

مقایسه « تلاوت » با « قرائت »:

۱- تلاوت: دنبال کردن چیزی در « بیرون » است.
اما قرائت: دنبال کردن چیزی در « درون » است.

۲- تلاوت، نوعی « اعلام » و « عرضه » و « اطلاع » است.
اما قرائت، « تفکر، ابراز، إظهار، اعتراف و نگاهِ موحدانه » است.

۳- شیطان هم « تلاوت » دارد: تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ،
اما « قرائت » مخصوص « موحدین » است.

۴- به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور تلاوت داده شد

اما به مردم، دستور آن داده « نشده » است.

اما « دستور قرائت » به تمام مسلمان داده شده است.

۵- تلاوت، به افراد بشر « تعلیم » نشده.

اما قرائت، به تمام افراد بشر « تعلیم » داده شده است.

۶- در آخرت از مردم « تلاوت » خواسته نمی شود،

اما « قرائت » خواسته می شود: **إِقْرَأْ كِتَابَكَ، إِقْرَأْ وَ رِقَ**

۷- رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ابتدا مأمور به « قرائت » بودند

و بعد مأمور به « تلاوت » شدند.

وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ
بِیَمَیْنِكُمْ إِذَا لَأَرْتَابَ الْمُضِلُّونَ (عنکبوت/۴۸)

۸- انسان با « تلاوت » ممکن است « هدایت یا گمراه » شود،

اما « قاری » هدایت شده است:

وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ
وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ (نمل/۹۲)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؟
وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ (بقره/۴۴)

به نظر می‌رسد این گروه از مسلمانان،

«تلاوتِ کتاب» آسمانی را با «تعقل» انجام نمی‌دهند
و برای «قرائت» آن هم تلاش نمی‌کنند.

رُبَّ قَالٍ لِلْقُرْآنِ

وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ

چه بسا فردی قرآن را تلاوت می کند اما قرآن او را « لعنت » می کند.

(بنی امیه و بنی العباس خود را « جانشین پیامبر اسلام » می نامیدند اما ملعون بودند.)

خدایا :

« اُنس » و « فہم » ما را از

« قرآن و کلامِ اہل البیت » روزافزون فرما

و در ظہور آخرین حجت ما را سہیم کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

